

«دوستی با خدا» از زبان مرحوم آیت الله سیبویه

مرحوم آیت الله میرزا احمد سیبویه معتقد بود؛ حضور قلب انسان را بهتر به خدا می‌رساند نسبت به کسی که اعضا و جوارحش را خسته می‌کند، مرتب نماز می‌خواند، در حالی که دلش جای دیگری است.

مرحوم آیت الله میرزا احمد سیبویه معتقد بود؛ حضور قلب انسان را بهتر به خدا می‌رساند نسبت به کسی که اعضا و جوارحش را خسته می‌کند، مرتب نماز می‌خواند، در حالی که دلش جای دیگری است.

صدای شیعه: آیت الله میرزا احمد سیبویه در 20 ربیع‌الثانی 1337 قمری در کربلا به دنیا آمد و در خانهای پر از نور علم و حدیث و معنویت تربیت یافت. وی پس از خواندن دروس مقدماتی و ادبیات، سطوح را نزد پدر و عمویش مرحوم حاج شیخ محمدعلی سیبویه از علمای کربلا، فرا گرفت و سطوح نهایی و خارج فقه را از مرحوم علامه فقیه و حاج شیخ یوسف بیارجمندی شاهرودی که از مجتهدین و علما مبارز کربلا بود، آموخت.

وی در سال 1400 قمری برابر با 1359 شمسی از طرف دولت بعث عراق تسفیر و به ایران رانده شد؛ پس از ورود به تهران به اقامه جماعت، ترویج دین، تبلیغ احکام و ذکر مصائب خاندان رسالت به خصوص سالار شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین (ع) مشغول بود و مخلصانه این وظیفه را ایفا کرد. از این رو اثر عمیقی در مستمعین و شنوندگان خود می‌گذاشت.

قبر مبارک آیت الله میرزا احمد سیبویه (ره) در حرم حضرت معصومه (س) کنار قبر شهید مفتاح است و هر هفته متوسلین به حضرت عباس (ع) در آنجا مجلس روضه برپا می‌کنند.

انتشار این مطلب به بهانه انتشار فایل صوتی سخنان آیت الله سیبویه با موضوع «دوستی با خدا»؛ در پایگاه اطلاع‌رسانی مؤسسه تبلیغ و انفاق امام زمان (ع) است. گوشه‌ای از نظرات آیت الله میرزا احمد سیبویه در خصوص «دوستی با خدا»؛ را می‌خوانیم.

* قلب بیش از عمل بدون خضوع انسان را به خدا نزدیک می‌کند

خوشا به حال کسی که به خدا نزدیک باشد؛ نزدیک یعنی اینکه او بدن، حرف، دل و عمل صالحش به خدا نزدیک است. امام جواد (ع) در این باره می‌فرماید: «171؛ القصد الی الله تعالی بالقلوب أبلغ من إتعاب الجوارح بالأعمال»؛ 171؛ با دل‌ها به سوی خداوند متعال آهنگ نمودن، رساتر از به زحمت انداختن اعضا با اعمال است»؛ (مسند الامام الجواد، ص 244) یعنی که انسان با دلش به خدا توجه کند. این انسان وقتی که در رختخواب خوابیده دلش پیش خداست، اما به قلب. این حالت انسان را بیشتر به خدا می‌رساند نسبت به کسی که اعضا و جوارحش و خودش را خسته کند، مرتب نماز بخواند و رکوع و سجود انجام دهد، در حالی که دلش جای دیگری باشد.

قرآن می‌فرماید: «171؛ بسم الله الرحمن الرحيم، قد افلح المؤمنین، الذین هم فی صلاتهم خاشعون»؛ خشوع در پیشگاه حضرت احدیت. آقای شیخ عبدالکریم یزدی حائری، آنقدر متواضع بود که آن مرجعیت و زعامت، او را عوض نکرده بود. مولا باید اینجور باشد که امام فرمود: «171؛ به من خدمتگزار بگویند بهتر است که رهبر بگویند»؛

* آسایش را در آخرت جستجو کنید

دنیا جای راحتی نیست. راحتی در دنیای بعدی است. خطاب شد: «171؛ یا موسی! أني وضعت الراحة في الجنة والناس يطلبونها في الدنيا فلن يجدوها قط»؛ 171؛ ای موسی! مردم در دنیا به دنبال راحتی و آسایش می‌گردند، من آسایش را در بهشت قرار دادم نه در دنیا»؛ حال، سختی‌های دنیا را چگونه باید تحمل کرد. این بسته به ایمان شخص دارد. لذا حضرت می‌فرماید: «171؛ مرارة الدنيا حلاوة الاخرة»؛ 171؛ تلخی در دنیا، شیرینی در آخرت است»؛ اینکه برخی می‌گویند دنیا نقد است و باید آن را چسبید، اشتباه می‌کنند. خداوند متعال بندگان را دوست دارد. حالا برخی بندگان گرفتار می‌شوند، مثلاً مریض می‌شوند یا دربر می‌شوند؛ این‌ها هم لطف از طرف حق است. چون دوستش می‌دارد.

شخصی عرض کرد یا رسول الله، «171؛ ذهب مالي وسقم جسمي»؛ 171؛ مال من از دستم رفته و بدنم مریض شده»؛ حضرت در جواب فرمود: «171؛ لا خير في رجل لا يذهب ماله ولا يسقم جسمه»؛ 171؛ خیر نیست در کسی که هیچ وقت ضرر مالی به او نرسد و هیچ گاه بدنش مریض نشود»؛ این را علما نوشته‌اند که پیغمبر را به همراه برخی اصحاب به یک

مهماني دعوت کردند. در حیاطی که یک درخت داشت نشستند. مرغی روی آن درخت آشیانه کرده و تخم گذاشته بود. تخم از بالا به زمین افتاد اما نشکست. صاحب منزل عرض کرد: یا رسول الله، در تمام عمرم به من ضرر وارد نشده است، الآن دیدید که تخم افتاد اما نشکست. حضرت بلند شد و به بیرون رفت و فرمود: «در طعام تو خیری نیست.«

* بیماری یک شب مؤمن، کفاره یک سال گناه اوست
روایت از معصوم (ع) است که در آن می‌فرماید: «مؤمن که یک شب را تب می‌کند، کفاره یکسال گناهش هست.«
مؤمن در این حالت تزکیه می‌شود. ما دو نوع تزکیه داریم. یکی روزه است که روزه‌دار مزکی است و از رذائل و مرض‌های روح تزکیه می‌شود و دیگری هم اینکه بدن از مرض تزکیه می‌شود.
روزی در کربلا مریض شده بودم، خدا شفا داد و آدمم بیرون که به حرم مشرف شوم. در بازار دوستی به نام حاج حسن عطار را دیدم، سلام داد. صدایش هنوز در گوشم است که گفت: «آمیرزا احمد، تو دیگر از گناه پاک شدی، حال مواظب باش دیگر گناه نکنی.«

* راه‌های نزدیک شدن خدا
کلید نزدیک شدن به خدا تقواست. پرهیز از گناه است. حتی نیت گناه هم اثر می‌کند. اما چه چیزی باعث دوری از خدا می‌شود. غفلت، غضب از ذکر خدا ما را از خدا دور می‌کند. کسی که از یاد خدا اعراض کند، دنیایش تلخ است. قرآن در این باره می‌فرماید: «کسی که عمل صالح به جا بیاورد، مرد یا زن، ما به او حیات خوش، حیات طیبه، زندگانی شیرین اعطا می‌کنیم.«

* خدا ردّ پا دارد!
رد پای خدا، مخلوقات و موجودات و سماوات و زمین‌ها و کوه و دریا و صحرا و دشت است. اینها همه رد خدا هستند که حضرت حق خطاب می‌کند به حضرت رسول (ص): «اگر از بت‌پرستان بپرسید که چه کسی این زمین و آسمان‌ها را آفریده است؟ می‌گویند خدا، بگو پس چرا ایمان نمی‌آورید؟« در زندگی آدم‌ها هم ردی از خدا وجود دارد. پس چرا گاهی فراموش می‌کنیم که خدا وجود دارد؟ «اسلام به ذات خود ندارد عیبی / هر عیب که هست در مسلمانی ماست.« خدا رحمت کند مرحوم شوشتری را شعری را در همین خصوص می‌خواند: «نه هر کس شد مسلمان می‌توان گفتش که سلمان شد / کز اول بایدش سلمان شد و آنکه مسلمان شد.«
مقام و عدد سلمان به جایی می‌رسد که درباره مقام مسلمان، حضرت رسول (ص) می‌فرماید: «به درستی که اشتیاق به رتبه سلمان در بهشت بیشتر است تا سلمان به بهشت.«

* حق پدر و مادر را نمی‌توان ادا کرد
حاج میرزا حسین نوری یک کتاب نوشته به نام «نفس الرحمان فی فوائد سلمان.« که کتاب خیلی قشنگی است. بنده عرض می‌کنم تمام فوائد و عدد سلمان یک طرف و این فضیلت یک طرف که در مدائن، هنگام رحلت سلمان از او پرسیدند: چه کسی شما را غسل می‌دهد؟ در جواب فرمود، «الذی غسل رسول الله.« آن آقای که پیامبر (ص) را غسل داد؛ یعنی امیرالمؤمنین. مردم گفتند: «علی و مدائن؟« و ... حضرت سلمان فرمود: «آقا می‌آید.« از این عبارت استفاده می‌کنم که حضرت سلمان تالی‌تلو عصمت بود، معصوم نبوده اما تالی‌تلو عصمت بود.
می‌خواهم روایتی نقل کنم که برای همه به خصوص جوانان و نونهالان مفید است. شخصی عرض کرد یا رسول الله، مادری دارم که او را 19 بار به حج برده‌ام. طوافش داده و خدمتش را کرده‌ام. می‌خواهم بدانم آیا حق مادرم را ادا کرده‌ام یا نه؟ حضرت فرمود که: «اگر مادرت را یکبار دیگر هم به مکه ببری تا 20 بار بشوند، تازه حق یک رده را ادا کرده‌ای.« یعنی اگر کسی 20 بار مادرش را به مکه ببرد، حق یک شیر دادن را ادا کرده است. چه کسی می‌تواند حق مادر و حق پدر را ادا کند؟ «وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا.« ما از ادا کردن حق پدر و مادرمان عاجزیم.